



روان‌شناسی و تغییرات اجتماعی

نویسندگان:

استوارت پیزر

جفری تراورز

ترجمه:

سعید مدنی (قهفرخی)

با مقدمه:

دکتر پرویز پیران

Pizer, Stuart A.

پیزر، استوارت

روانشناسی و تغییرات اجتماعی / استوارت پیزر؛ جفری تراورز؛ ترجمه سعید مدنی (قهفرخی)؛ با مقدمه پرویز پیران. - تهران: دانه، ۱۳۸۵.
۲۴۸ ص.

ISBN: 978-964-7932-50-9

۳۴۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

Psychology and Social Change.

عنوان اصلی:

کتابنامه: ص. (۲۲۳-۲۴۱)؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.

۱. تحولات اجتماعی. ۲. گروه‌های اجتماعی. ۳. جامعه‌پذیری. ۴. روانشناسی.
۵. روانشناسی اجتماعی. الف. تراورز، جفری، Travers Jeffrey R. ب. مدنی، سعید، ۱۳۲۹ -، مترجم. ج. پیران، پیزر، مقدمه نویس. د. عنوان.

۱۳۸۵

۳۰۳/۴

۸۲۱/۹ پ ۲

۱۳۷۵۳ - ۸۵ م

کتابخانه ملی ایران

روانشناسی و تغییرات اجتماعی

نویسنده: استوارت پیزر

جفری تراورز

ترجمه: سعید مدنی (قهفرخی)

با مقدمه: دکتر پرویز پیران

ویراستاران: دکتر حمیدرضا عریضی

جمیله هاشمی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف‌نگار

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۸۷

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۳۲-۵۰-۹

کلیه حقوق محفوظ است



نشر دانه

تهران: خیابان استاد مطهری، خیابان سلیمان خاطر (امیراتابک)،

کوچه اسلامی، شماره ۴/۲

صندوق پستی: ۴۱۴۶-۱۴۱۵۵

کدپستی: ۱۵۷۸۶۳۵۸۱۱

تلفکس: ۸۸۸۱۲۰۸۳

تلفن: ۸۸۸۴۶۱۴۸ - ۸۸۸۴۲۵۴۳

آشنایی با آثار نشر دانه و فروش اینترنتی

<http://danjeh.persianbook.net>

بها: ۳۴۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۲۱	 سخن مترجم
۲۵	 پیشگفتار
۲۹	 فصل اول: کلیات
۳۷	 فصل دوم: روان‌شناسی و تغییرات در افراد
۴۰	 روان‌درمانی چیست؟
۴۱	 شرایط روان‌درمانی
۴۶	 فرآیند روان‌درمانی
۵۲	 نقد روان‌درمانی سنتی
۵۴	 جانشین‌هایی برای 'روان‌درمانی' سنتی
۶۰	 تاریخچه روانی
۶۷	 فصل سوم: روان‌شناسی و تغییر در گروه
۶۹	 گروه‌های روان‌شناسی چه هستند؟
۶۹	 شالوده مدل عمومی گروه‌ها
۷۲	 تاریخچه مختصری درباره گروه‌ها
۷۶	 جانشین مدل‌های گروهی
۷۶	 گروه‌های آموزشی
۸۵	 گروه‌های مواجهه
۹۰	 پژوهش درباره گروه
۹۳	 نقادان گروه
۱۲۱	 کاربردها و الزامات گروه‌ها
۱۲۷	 فصل چهارم: روان‌شناسی و تغییر در مؤسسات
۱۳۱	 دنیایی درون دیوارها: مؤسسه بسته
۱۳۲	 دنیای روان‌شناختی کارکنان
۱۳۲	 فشار مؤسسات برای کنترل

۱۳۴	مفاهیم و محدودیت‌های کنترل
۱۳۹	دنیای روان‌شناختی ساکنان
۱۴۰	واکنش‌های جمعی: فرهنگ ساکنان
۱۴۴	واکنش‌های فردی
۱۴۷	مؤسسه بسته به مثابه عامل تغییرات
۱۴۸	زندان‌ها
۱۵۰	زندان‌ها چه تغییراتی ایجاد می‌کنند؟
۱۵۲	زندان‌ها واقعاً چه تغییراتی باید ایجاد کنند؟
۱۶۱	چگونه زندان‌ها تغییر می‌کنند؟
۱۶۴	بیمارستان‌های روانی
۱۶۸	بیمارستان‌های روانی برای ایجاد چه تغییراتی تلاش می‌کنند؟
۱۷۰	بیمارستان‌های روانی چه تغییراتی باید ایجاد کنند؟
۱۷۷	چگونه بیمارستان‌های روانی تغییر می‌کنند؟
۱۸۱	آینده: دنیایی بدون دیوار

فصل پنجم: اجتماعی شدن و تغییرات در جامعه ۱۸۵

۱۸۷	رشد کودک از منظر بین فرهنگی
۱۹۳	اجتماعی شدن و تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده: کیبوتس‌ها در اسرائیل
۱۹۷	اجتماعی شدن و تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده: اتحاد شوروی
۲۰۴	تغییرات در کودکان آمریکایی
۲۰۶	همالان به مثابه اجتماعی‌کنندگان
۲۰۹	تلویزیون به مثابه معلم
۲۱۶	مدرسه به مثابه اجتماعی‌کننده
۲۲۷	خلاصه و نتیجه‌گیری
۲۲۹	سخن آخر
۲۳۳	کتابشناسی
۲۴۲	موضوع نما
۲۴۵	نام نما
۲۴۷	آثار نشر دانژه

مقدمه

بنشین بر لب جوی و گذر آب ببین که این اشارت ز جهان گذران ما را بس حافظ

بدون تردید، دگرگون شدن و تغییر یافتن، پایدارترین فرایندی است که در عین حال از ناپایداری اجزاء زندگی و جهان خبر می‌دهد و دائماً آنهم با انواع دگرگونی، بالیدن و پژمردن بانگ بر می‌آورد که «این نیز بگذرد» همان جمله‌ی نوستالژیکی که ایرانیان را برای قرن‌ها دلخوش ساخته است. درک و برداشت آدمی از دگرگونی و وقوع تغییر آنهم بطور دایم، مقدم بر هر نوع درک و برداشتی، حسی و عینی است و این همان اشارتی است که رند عالم سوز شیرازی با ظرافتی مثال زدنی که در عین حال نقاشی نیز محسوب می‌شود، از آن سخن گفته است و به تجربه‌ای ناظر است که اکثریت آدمیان در طول حیات خود داشته‌اند.

درک و برداشت آدمی از آن روی حسی و عینی است که برای او فقط تجربه‌ی یکبار برآمدن روز و سپس فروخفتن آن در شب، کافی است تا دگرگونی را به چشم ببیند و با جان حس کند. از این روی در شگفت نباید شد که پرداختن به دگرگونی از دلمشغولی‌های کهنسال آدمی است. جالب آنکه در دل این دلمشغولی دیرباز، کوشش برای درک قانونمندی‌های آن نیز نهفته است. برداشت از قانونمند بودن دگرگونی نیز حسی و عینی است، چرا که طبیعت دائماً در حال دگرگونی است و تمامی اجزاء آن با نظم‌ی خاص تغییر می‌کنند و از حالتی به حالتی دیگر در می‌آیند.

هنگامی که از قانونمندی سخن به میان می‌آید به ناگزیر بحث علل، انگیزه‌ها، فرایندها، جهت و هدف نیز از پی می‌آیند. دگرگونی اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

مانند تمامی مباحث نظری که به انسان و اجتماع مربوط اند، این فلاسفه بودند که برای نخستین بار و جدای از مذهب به چند و چون دگرگونی به طور عام و به ویژه دگرگونی اجتماعی پرداختند. سال‌ها باید می‌گذشت تا عالمان علوم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، انسانی و رفتاری و بالاخره فضایی - معماری، شهرسازی و شهرشناسی - با تقسیم کاری بین خود ارنیه فلاسفه را به چنگ آورند و بر پایه‌ی یافته‌های آنان به کوشند تا به پیش روند. هم فلاسفه و هم عالمان علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری که از بین آنان در این بحث‌گذرا به جامعه‌شناسان و روانشناسان نظر افکنده خواهد شد، از دیر باز سخت دلمشغولی کشف الگوهای خاص تغییر اجتماعی بوده‌اند. البته در حالی که جامعه‌شناسان به تحول ساختار جوامع، نهادها، سازمان‌های اجتماعی و فرایندهای جمعی نظر دارند، روانشناسان از یکسو تأثیر چنین تغییراتی را در فرد و از سوی دیگر تأثیر فرد به عنوان کنشگری با ویژگی شخصیتی و رفتاری خاص را در دگرگونی اجتماعی جستجو می‌کنند. از قضای دلکش روزگار، اهمیت دگرگونی اجتماعی و نقش کنش جمعی و فردی سبب‌گردیده است تا کمتر محقق‌ی یافت شود که بدان نپرداخته باشد. از این روی دگرگونی اجتماعی از موضوعات و مباحثی است که هم از نظر چارچوب یا کار پایه‌ی مفهومی و هم از دریچه چارچوب‌ها یا کار پایه‌های نظری سخت غنی است. بدیهی است که چنین غنایی حاوی کج فهمی‌ها، ادعاهای متناقض و پیشداوری‌ها بسیار نیز می‌باشد. گروهی با تلاشی بی‌امان به دنبال نیروی محرکه (Prime mover) دگرگونی اجتماعی بوده‌اند. جالب آنکه گاه این نیروی محرکه را شرایط مادی تولید دانسته‌اند، زمانی دیگر، توسعه فنی را پیش کشیده‌اند و در مواقعی از موتاسیون ارزش‌ها و نظام هنجاری یاد کرده‌اند.

نهاد اصلی تغییر آفرین نیز دلمشغولی دیگر اندیشمندان و فلاسفه بوده است. برخی چون فوستل دوکولانژ (Fustel de Coulange)^۱ خالق کتاب ارزشمند شهر باستان و از تاثیرگذاران بر اندیشه‌های مکتب تاریخ‌نگاری آنال، نهاد دین را از سایر نهادها مهمتر یافته‌اند و گروهی دیگر بر بی‌بدیل بودن نهاد اقتصاد برای دگرگونی اجتماعی، پای فشرده‌اند، عده‌ای نیز چون اگوست کنت از توسعه علمی و فنی یاد کرده‌اند. البته داستان به همین موارد ختم نمی‌شود. اندیشمندانی عوامل درونی را سبب‌ساز اصلی و تعیین‌کننده تغییر دانسته‌اند، همان نقشی که تناقض و تضاد در دستگاه فکری مارکس بازی می‌کند و شماری چون نیسبت (Nisbet) عوامل خارجی را مسئول اصلی دگرگونی معرفی کرده‌اند اما خوب یا بد بودن تغییر نیز عرصه بحث و جدل بین اندیشمندان محسوب می‌شود. تنی چند با سن سمیون و اگوست کنت همداستان شده، خوش‌باورانه مدعی گردیده‌اند که تمامی جوامع به نحوی گریزناپذیر به سمت شرایطی ایده‌آل و بهتر ره می‌سپرند و دیر یا زود، دیرتر و یا زودتر بدان می‌رسند. در مقابل کسانی نیز با ژان ژاک روسو هم‌اواگشته و ندا در داده‌اند که دگرگونی اجتماعی پس‌رفتی بیش نیست. لیکن از نظر شماره، آنانی که دگرگونی اجتماعی را مثبت ارزیابی می‌کنند بسی بیشتراند. اساساً در تفکر مغرب زمین و بر اساس تعالیم مسیحیت، برداشت خطی تاریخ و مفهوم پیشرفت با مفهوم تغییرات اجتماعی درهم آمیخته است که از نظر مباحث مربوط به دگرگونی‌های اجتماعی اهمیتی بنیادین دارد. قبل از طلوع و گسترش مسیحیت نگاه یونانی - رومی‌نگاهی اسطوره‌ای - شاعرانه (Mythopoetic) بود و زندگی انسانی از جمله‌وجه مذهبی او بوسیله اساطیر هدایت می‌شد. واضح است که چنین نگرشی غیر تاریخی است. اساطیر همچنین محور جهان‌شناسی نیز به شمار می‌رفت که بر صورت‌های نوعی (Archetypes) استوار بود. بر اساس چنین صورت‌های نوعی، انواع موقعیت‌ها

۱. Coulange, Fustel De. (1956), "The Ancient City", Garden city, Double das Anchor.

و طبقه‌بندی انسان‌ها مشخص می‌گردید که طبعاً همگی غیر تاریخی بودند. مثلاً ایلید هومر چیزی نیست مگر نظریه‌ی بازگشت ابدی که در قالب اسطوره بیان شده است. در جهان‌شناسی اسطوره‌ای پدیده‌ها و تمامی چیزهای جهان تا بدان درجه با معنایند که در خود، صورت‌های نوعی یاد شده را باز تولید نمایند. اما مشخص است که صورت‌های نوعی بنیادی تاریخی ندارند و فاقد آغاز و انجام‌اند بلکه به گونه‌ای سیال گذشته، حال و آینده را درهم می‌آمیزند. به همین دلیل وقایع تاریخی به کار تشریح وقایع اساطیری نمی‌آیند. اسطوره دارای منطقی درونی و در خود است از آنجایی آغاز می‌شود که پایان می‌پذیرد. از نظر اسطوره وقایع ملموس تنها تکرار صورت‌های نوعی می‌باشند. از این روی تفکر دنیای باستان مغرب زمین قبل از برآمدن مسیحیت با نوعی دو وجهی (Dichotomy) همراه است که یکی دنیای واقعی - تجربی است که دائماً باز تولید و تکرار می‌شود و وجه دیگر مفهوم ثبات ابدی است که تنها در فراباشنده یا فراسوی (Transcendental) با معناست. بر این اساس صورت‌های نوعی، برای واقعیت معنا می‌سازند و معیارهای اخلاقی جامعه را پاس می‌دارند و لذا به ثبات اجتماعی کمک می‌کنند. چارچوب زمانی اسطوره دورانی است که فاقد درک تاریخی می‌باشد و دیدی پویا و متحرک از انسان و تاریخ را بر نمی‌تابد.

تفکر مسیحی کاملاً در نقطه مقابل تفکر اسطوره‌ای - شاعرانه جهان را به قبل و بعد مطلق تقسیم نمود. از این روی برای مسیحیت زمان امری واقعی است زیرا دارای معنایی مشخص است که چیزی جز نظریه رستگاری با قربانی شدن حضرت مسیح (ع) برای گناهان انسان نیست. با چنین نگرشی، حرکت انسانی را خطی مستقیم در بر می‌گیرد که آغاز آن سقوط نخستین (گناه حضرت آدم (ع) و رانده شدن او از بهشت) و پایان آن رستگاری ابدی نوع انسان از طریق مصلوب شدن حضرت مسیح (ع) است. چنین تاریخی دارای معنایی منحصر به فرد است. چرا که دارای حلول (incarnation) یکتایی است. حضرت مسیح (ع) برای گناهان تمامی آدمیان تنها

یکبار آنهم برای همیشه تاریخ، خود را قربانی ساخت و این واقعه‌ای قابل تکرار نیست که گویای تضادی عمیق با اساطیر است. بر چنین بستری دیدگاه خطی زمان و به تبع آن تاریخ آغاز گردید. با تلقی خطی بودن گذر زمان، دگرگون شدن و تغییر در قالب مفهوم پیشرفت فرموله شد و ایده تکامل بازاری داغ یافت.

چنینی تحولی را می‌توان گام ماقبل نظریه‌سازی زمینی دانست، زیرا با تلقی از دگرگونی به معنای پیشرفت آنهم مادی و قابل تجربه شدن در زندگی آدمیان معمولی کوی و برزن، امکان رسیدن به کارپایه‌های مفهومی و کارپایه‌های نظری که از طریق شاخص‌هایی زمینی قابل اندازه‌گیری اند فراهم آمد و راه برای بحث و جدل آتشین در باب تغییرات اجتماعی هموار گردید. بدین دلیل و به دلایل مهم دیگری که به بحث حاضر مربوط نیستند، گذر از نگاه اسطوره‌ای - شاعرانه دنیای باستان مغرب زمین ماقبل مسیحیت به نگاه خطی معرفی شده توسط کلیسا، نقطه عطف مهمی در تاریخ اندیشه بشری تلقی گردیده است. نگاهی که آثار متعددی را از پی آورد. بدیهی است که تا مدت‌ها نگاه یاد شده در انحصار فلاسفه بود و تنها پس از عصر روشنگری و ورود جوامع غربی به دنیای صنعتی و شهری، به تدریج ضرورت تجزیه تفکر فلسفی و پیدایش علوم اجتماعی و انسانی موضوعیت یافت. جالب آنکه یکی از دلایل پیدایش علوم اجتماعی رسمی را ناخرسندی متفکران از تغییرات پرشتاب و انقلابی پس از دنیای نسبتاً آرام فئودالی تلقی کرده‌اند. به قول «هانس گرت» و «سائول لنداو» (Hans Gerth & Saul Landau) «تفکر جامعه‌شناسانه در واکنش به بحران‌های جامعه‌ی پویای اروپا سربرآورد آنهم زمانی که تازه انقلاب صنعتی و انقلاب‌های سیاسی گوناگونی را پشت سر نهاده بود. هدف این تفکر جدید یافتن ابزاری بود که به وسیله آنها، مجموعه‌ی روابط پیچیده اجتماعی واضح و شفاف نمایان می‌شوند. جامعه‌شناسی در جهانی که سریعاً تغییر می‌یافت، پا به عرصه‌ی حیات نهاد و بالیدن گرفت، جهانی که به نظر می‌رسید آدمیانی که در آن می‌زیند بارها و بارها از نتایج غیر قابل پیش‌بینی و ناخواسته‌ی اعمالشان بهت زده می‌شوند و هراسناک می‌گردند. از ورای عصر روشنگری، جنگ‌هایی برای استقلال یا

جنگ‌های انقلابی در قاره‌های آمریکا و اروپا، کشورگشایی‌ها و شکست‌های ناپلئون، ارتجاع قیصری و مترنیخی و انفجار انرژی صنعتی و تجاری انگلستان، جامعه‌شناسی با خواست روشنفکرانه‌ای که از سوی نوعی جدید از متفکران دنبال می‌شد، سر برآورد. "فردریک بوخ هولتز" در آلمان به سال ۱۸۱۶ میلادی آن خواست روشنفکرانه را «پیشروی علمی می‌دید که در قرن‌های قبل حتی در رویا نیز دیده نمی‌شد، دانشی که علم جامعه با تمامی روابط ضروری و تصادفی‌اش، خواننده می‌شد. گرچه او هنوز برای این علم نام مشخصی نداشت» (۱۹۶۳: ۲۶).^۱

تمامی چنین دلمشغولی‌هایی ناشی از دگرگونی‌های عمیق اجتماعی و تغییرات ژرف و همه جانبه‌ای بود که در آغاز آسیب‌شناسانه به نظر می‌رسید و جهان آینده را آستن مسایل و مشکلات و حتی مصائبی بی‌شمار و جمعی تلقی می‌کرد. همان مشکلاتی که در کتاب "گوری" با عنوان "فحشا در پاریس"، در کتاب چندین جلدی "چارلز بوث" تحت نام "کاروبار و زندگی مردم لندن"، کتاب "فردریک انگلس"، وضع طبقه کارگر انگلستان و در تحقیقات پیمایشی "ماکس وبر" در مورد کارگران آلمانی انعکاس یافتند. اگر در قرن قبل از آثار یاد شده، ادبیات اعتراضی "چارلز دیکنز"، "دوساسی" و "ویکتور هوگو" با بیانی قدرتمند، همگان را متوجه تغییرات اجتماعی عمیق اروپا می‌ساخت، اینک منابعی در دسترس قرار می‌گرفت که قصد توصیف و تبیین دگرگونی‌ها و علل موجه آنها را داشت تا در قرن بعد برنامه‌ریزی به میدان آید و راه چاره مسایل و مشکلات را نشان داده به از میان بردن و یا حداقل کاهش آنها همت گمارد (پیران، ۱۳۶۹).^۲ به بیانی دیگر، عصر ادبیات اعتراضی به دوران

۱. Gerth, Hans. & Landau, Saul. (1963), "the Relevance of History to the Sociological Ethos", in Sociology on trial: Maurice stein & Arthur Vidich (eds), Englewood Cliffs, N.J. Prentice-Hall.

۲. پیران، پرویز (۱۳۶۷-۱۳۶۹)، "توسعه برون‌زادوشهر: مورد ایران"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۳۵-۳۰، تهران، مؤسسه اطلاعات.

پیران، پرویز، (بی‌تا)، "تحولات اروپای غربی و جامعه‌شناسی"، (کتاب در دست انتشار).

Piran, Parviz. (1979), "A totalized Concept on Man", University of Kansas.

پیمایش اجتماعی پیوند می خورد و از این رهگذر و در پرتو تغییرات اجتماعی، علوم انسان یعنی علوم اجتماعی، علوم رفتاری، اقتصادی و سیاسی یکی پس از دیگری، پای در راه می نهاد و موجودیتی مستقل به کف می آورد.

به تدریج چهار نگاه به انسان شکل گرفت که سطوح چهارگانه کنش انسان را می کاویدند، در سطح نخست شخصیت فرد مورد بحث بود و علمی که مطالعه آن را بر عهده گرفت روانشناسی خوانده شد. در سطح دوم کنش های متقابل انسان ها و روابط بین آنها به بررسی سپرده می شد و روانشناسی اجتماعی آماده این کار شده بود. سطح سوم به گروه ها یا نظام اجتماعی تعلق داشت که علم چند و چون کردن آن جامعه شناسی لقب داشت و بالاخره در سطح چهارم نظام فرهنگی مورد پرسش قرار می گرفت که انسان شناسی و بعدها سایر شاخه های مستقل شده از آن، بدان می پرداخت (نگاه کنید به Appelbaum، ۱۹۷۱: ۶-۲)^۱. بدین سان و درواکنش به مجموعه ای در هم تنیده از عوامل گوناگون که دگرگونی اجتماعی یا تغییرات درون جامعه از مهمترین آنها به شمار می رفت، علوم اجتماعی، انسانی و رفتاری به سالنامه ی زندگی انسان ها اضافه شدند تا با بالیدن تدریجی خود و برای پاسخ به ضرورت های فراروی به تخصص های ریز نقش تری تجزیه شوند و هریک حیطه ای بس محدودتر را با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهند و از توصیف آغاز نمایند و به تشریح، تفسیر و تبیین دست گشایند و در فرجام برنامه هایی برای تغییر عرضه دارند و در نهایت دگرگونی مطلوبی که نوید می دهند را در عمل به ظهور رسانند. بیهوده نیست که از ده سال گذشته تمامی علوم یاد شده را علوم خط مشی و سیاست گذاری (Policy Sciences) خوانده اند. در این مسیر دور و دراز به تدریج گرایش های جدیدی نیز شکل گرفته اند. یکی از چنین گرایش هایی به کژیه ها و کاستی های تغییرات اجتماعی و مسایل و مشکلات ناشی از این نوع تغییر چشم دوخته است.

1. Appelbaum, Richard. P. (1971), "Theories of Social Change", Chicago, Markham publisher.

امروزه دیگر مشخص شده است که پروژه مدرنیته با تمامی نکات مثبتی که در آغاز مطرح می‌ساخت اولاً به یکسان و در نقاط مختلف جهان تحقق نیافته است و هنوز بخش‌هایی از جهان در آرزوی تحقق آن شب به روز می‌رسانند و ثانیاً در نقاطی نیز که ظاهراً به تمامی و کامل تحقق یافته است، مسایل و مشکلات آزار دهنده و گسترده‌ای پدید آورده است که نگران‌کننده به نظر می‌رسند و گاه آنچنان آینده‌ای را تجسم می‌کند که گویی انسان گم‌گشته امروزین به پایان راه خود نزدیک می‌شود و حیات طبیعی رو به خاموشی می‌رود. گرچه نظریه‌های تکامل محور در میان نظریه‌های تغییرات اجتماعی هنوز از جایگاه گسترده‌تری برخوردارند، کمتر کسی را می‌توان یافت که با خوش بینی‌های متفکران لیبرالی چون آل. تی. هاب هاووس^۱ (L.T. Hobhouse) و جی. آ. هاب سان^۲ (J.A. Hobson) هم‌آواز شده، اعلام دارند که «جریان تکامل اجتماعی صلح، رونق، وفور مادی و گسترش عقلانیت را تضمین می‌دارد» (نگاه کنید به Hall، ۱۹۹۱: ۲-۵۸۱).^۱ برعکس بجای صلحی پایدار، نسل‌کشی تهدیدی جدی شناخته می‌شود. در عوض رونق، باید با رکود تورمی دست و پنجه نرم کرد و در مقابل وفور مادی برای اقلیتی با ثروت‌هایی افسانه‌ای آنهم عمدتاً به مدد یا نهادن بر تمامی ارزش‌هایی که اشرف مخلوقات بودن انسان را با معنای ساخت، فقری مزمن و رو به گسترش نمایان گشته است.

امروزه با خودبیگانگی، آنومی یا اغتشاش ارزش‌ها، هنجارها و معنا، خودمحوری و بیگانه‌ستیزی، بی‌طاقتی در پذیرش متفاوت بودن و دیگری بودن، کنار گذاشتن و به حساب نیاوردن، پایمال شدن حقوق انسان، نابودی محیط زیست، انبوهی خیابان خوابی، آلونک نشینی و در بیغوله خوابی، تجاوز و قتل، احساس ناامنی در فضاهای مشاع عمومی که قاعده باید به شهر وند تعلق داشته باشد، ازدحام و انبوهی

1. Hall, John A. (1993), "Social Change", in "the Blackwell Dictionary of twentieth Century: William Outhwaite & Tom Bottomore.

نفس گیر، هویت زدایی، استبداد حتی در شکل دموکراسی نمایندگی و ده‌ها معضل ریز و درشت دیگر، همه گیر گشته است.

بیهوده نیست که در مجموعه‌ای از گردهم‌آیی‌های سران کشورها یعنی بالاترین گردهم‌آیی‌های سیاسی و کنفرانس‌های بین‌المللی یعنی گردهم‌آیی زمین منعقد در ریودوژانیرو برزیل به سال ۱۹۹۲ میلادی، کنفرانس جهانی قاهره در سپتامبر ۱۹۹۴ برای بحث از جمعیت و توسعه، کنفرانس جهانی پکن در سپتامبر ۱۹۹۵ با عنوان زنان و توسعه، گردهم‌آیی استانبول در ژوئن ۱۹۹۶ تحت عنوان گردهم‌آیی شهر و بالاخره گردهم‌آیی سران در کپنهاگ به سال ۱۹۹۵ برای پرداختن به مسایل توسعه اجتماعی از جمله فقر، کنار گذاشتن و بحساب نیاوردن، ایجاد محیط قابلیت زاء، توانمند سازی و مقتدر سازی، همبستگی اجتماعی و نظایر آن، کوشش به عمل آمده است تا عزمی جهانی برای برخورد جدی با مسایل و معضلات رو به رشد، ایجاد گردد. اینجاست که علوم اجتماعی، رفتاری، فضایی، اقتصادی سیاسی و فرهنگی نقشی جدید بر عهده گرفته‌اند.

اگر روزگاری دگرگونی‌های اجتماعی پر شتاب و مسایل ناشی از آن زمینه پیدایش علوم جدیدی را فراهم آورد، امروزه همان علوم باید برای آثار و تبعات ناپه‌نجام دگرگونی اجتماعی و برای انطباق با دگرگونی‌های متنوعی که با جهانی سازی آنهم با ابعادی خیره کننده پدید آمده و می‌آیند، بسیج شوند.

کتاب روانشناسی و تغییرات اجتماعی که توسط همکار فرهیخته آقای سعید مدنی ترجمه شده است و به زودی در دسترس خوانندگان گرانقدر قرار می‌گردد، از همین زاویه قابل بررسی است. بیهوده نیست که این بار مفهوم روانشناسی نه پس از تغییرات اجتماعی که مقدم بر آن آورده شده است. چنانچه به تقسیم بندی چهار سطح یاد شده مراجعه شود، مشخص می‌گردد که سطح شخصیت فردی که از جمله موضوعات روانشناسی است، اهمیتی دوچندان یافته است. زیرا بدون کمترین تردیدی و در فرجامین تحلیل یکایک آدمیان با شدتی نابرابر قربانیان دگرگونی‌های

اجتماعی پرشتاب و آثار و عوارض منفی آن به شمار می‌روند. کتاب مورد نظر دقیقاً به چنین مسائلی توجه داشته است. وقتی کتاب به شکاف نسل‌ها، انقلاب جنسی، ستیزه جویی با اقلیت‌ها و ستیزه‌جو گردیدن اقلیت‌ها در اثر رفتار اکثریت با آنان و مسایل متعدد دیگری اشاره می‌کند، دو وجه مسائل مطروحه را یکجا عنوان می‌سازد.

نخست آنکه روانشناسی چگونه می‌تواند به انسان‌ها به ویژه به گروه‌های هدفی که بیش از سایرین در تیررس مسایل و مشکلات جهان امروز قرار دارند، یاری رساند تا دگرگونی اجتماعی را بپذیرند و با آن انطباق پیدا کنند؛ دوم آنکه وقتی انسان‌هایی به قربانیان تغییر تبدیل می‌شوند، چگونه روانشناسی می‌تواند در فرایند سالم‌سازی آنان درگیر شود؟ این دو وجه درهم تنیده در سراسر کتاب مورد نظر آنهم بر اساس تجارب عملی مورد چند و چون قرار می‌گیرند.

نکته ارزنده دیگری که در تمامی کتاب به چشم می‌خورد، نقش روانشناسی و شاخه‌های متعدد آن در درک تغییرات اجتماعی است. بدیهی است که سر درگمی، عدم فهم مسائلی که در پیرامون انسان در جریان است، ناآگاهی نسبت به عوامل موجد و آثار و تبعات آنها، خود پس از شکل‌گیری عامل مهمی در شکل معضلات اختلال روانی، کژ رفتاری و بی‌قراری انسان معاصر در دورانی است که «دیگر حقیقت شوری ندارد و آنچه که شورانگیز است دیگر حقیقت ندارد».

در این رابطه نقش دیگری به طور همزمان با نقش نخست، بر عهده روانشناسی گزارده می‌شود و آن یاری رساندن به تغییرات الزامی در نگرش‌ها، شیوه‌ها و راه‌ها، روش‌ها، نهادها و موسسات برای خنثی‌سازی آثار مخرب دگرگونی‌های اجتماعی پر شتاب است. چینی‌نشی به نحوی گریزناپذیر به ارزیابی هزینه و سود تغییرات اجتماعی از یکسو و ارزیابی هزینه و سود روش‌های جایگزین منجر می‌شود و نسبیتی که در پدیده‌های انسانی و اجتماعی نهفته است را برملا می‌سازد. جالب آنکه نویسندگان کتاب در تحلیل نقش‌های روانشناسی در جهان دگرگون‌شونده

امروز از یکسو به محدودیت‌های این علم رفتاری اشاره دارند و از سوی دیگر به نقدهایی که از قدیم در مورد روانشناسی ارائه گردیده است، واکنشی از سر بصیرت بروز می‌دهند. آنان بخوبی اذعان داشته‌اند که پرداختن به فرد را تنها راه علاج و تنها نقش روانشناسی نمی‌دانند و به بی‌حاصلی چنین نگرشی واقف‌اند. بلکه در تحلیل نهایی نگاهی بین رشته‌ای را تجویز می‌کنند که بر اساس تقسیم کاری برآمده از دانش امروز و تجارب گذشته، جایگاه روانشناسی مشخص می‌گردد.

نکته مهم دیگر اشاره آنان به روانشناسی‌رهایی بخش است که ثمره تحولات چند دهه اخیر در روانشناسی انسان‌گراست. برای سال‌ها روانشناسی متهم می‌شد که تنها می‌کوشد تا انسان‌ها را به پذیرش جبرهای زندگی‌شان وادارد و از این رهگذر به حفظ وضع موجود با تمامی پلشتی‌های آن خدمت رسانده، وسیله‌ای از تجاعی در دست صاحبان زر و زور می‌گردد. نویسندگان کتاب ضمن طرح چنین نگرشی، دائماً به دو مقوله مهم یعنی انتخاب و مسئولیت اشاره دارند. انتخاب و مسئولیت نیازمند آگاهی انسان‌هاست و چنانچه آگاهی، انتخاب و مسئولیت انسانی کنار هم یکجا مورد توجه قرار گیرد، مهمترین بُعد نظریه‌رهایی آشکار می‌شود. به همین دلیل به قول متفکر ژرف‌اندیش "راسل ژاکوبی" در کتاب فراموشی اجتماعی علاقه عمیق و گسترده به روانشناسی آنچنان وسیع است که نمی‌توان آن را با ویژگی خاصی مشخص ساخت. آنانی که به دنبال آرامش یافتن و رهایی از پلشتی خاصی در جامعه‌اند و به همان میزان رادیکال‌های سرخورده‌ای که برای کنش‌های سیاسی نخ نما شده گذشته خویش به دنبال جانشینی هستند، همگی به روانشناسی می‌نگرند و دو مورد یاد شده تنها آغاز فهرست بلند بالای کسانی است که به روانشناسی علاقمند شده‌اند. (XVii:1975, Jacoby).^۱

اما چنین علاقمندی به برداشت‌های جدیدی از روانشناسی منجر شده است که دیگر در قالب «علم‌سازش» نمی‌گنجد. بلکه عنصر نقد مطلع که بر افسانه و

1. Jacoby, Russell. (1975), "Social Amnesia", Boston, Baacon Press.

قصه‌زدایی و واکاوی اجزاء و عناصر و روابط قدرت استوار است، را بُعد مهم یاری رساندن به فرد در جامعه‌ای آنومیک و درگیر تحولات گسترده و تغییرات اجتماعی پرشتاب، می‌داند و بر این پایه به بازاندیشی و بازنویسی روانشناسی و نهادهای حمایت از فرد می‌پردازد و به این دلیل در جای جای کتاب مورد نظر از نگاه جدیدی به برنامه‌های روان‌درمانی، گروه درمانی و موسسات بهداشت روانی سخن به میان آمده است. با توجه به تاریخ چاپ نخست کتاب باید کتاب روانشناسی و تغییرات اجتماعی را به نوعی از جمله پیشگامان این نگاه جدید تلقی کرد. باز هم به قول "زاکوبی"، روانشناسی دیگر به جمع‌آوری عتیقه و تکرار گذشته مشغول نیست. بدین شکل مرزهای سفت و سخت روانشناسی سنتی فرو می‌ریزد و مباحث متنوعی نه تنها از علوم مختلف بلکه از تجارب زنده زندگی در نگرش نوین به روانشناسی وارد می‌شود. دستاوردهای نگاه «فرویدی نو» که در اثر مساعی متفکرانی چون آریک فروم، "کارن هورنی"، "کلارا تامپسون"، "هری اس سولیوان"، "آبراهام مازلو"، "کارل راجرز" و شماری دیگر شکل گرفته است، با دیدگاه «مکتب انتقادی» و بانوآوری‌های تعلیم و تربیت نامداخله‌گر درهم می‌آمیزد و مفهوم تاریخ، واقعیت اجتماعی و عوامل غیر انسانی ساز جامعه یعنی مفاهیمی که در روانشناسی رسمی و ارتجاعی تابو محسوب می‌شدند، اجزاء مهم بازنویسی و واکاوی روانشناسی پیشرو به حساب می‌آیند.

نتیجه مهم مساعی یاد شده، بازاندیشی در مفاهیمی چون تعلیم و تربیت، مدرسه، مراحل رشد طبیعی و غیرطبیعی و ده‌ها مفهوم دیگر است. کتاب مورد بحث، چینی نگاهی به محیط‌های آموزشی و درمانی را بخوبی منعکس می‌سازد. بدین دلیل کتاب، خواندنی از کار درآمده است.

گرچه اصل کتاب در اختیار نگارنده نبوده است، ترجمه‌ی اثر روان و گیراست. یادداشت‌های محدود و کوتاه مترجم به روشن ساختن مباحث یاری می‌رساند و مهمتر از تمامی این گونه‌مسایل، محدودیت فوق‌العاده چشم‌گیر منابعی از نوع کتاب مورد بررسی، ترجمه آن را مغتنم ساخته است. اهمیت این موضوع در شرایط

سخن مترجم

گی‌روشه^{*} در کتاب خود "تغییرات اجتماعی" سه سطح از پدیده‌های اجتماعی یعنی واقعه اجتماعی، تغییر اجتماعی و تحول اجتماعی را از یکدیگر متمایز کرده است. بر اساس نظر وی "واقعه" به پدیده اجتماعی گفته می‌شود که تأثیرات محدودی بر شرایط اجتماعی داشته باشد. به اعتقاد گی‌روشه اگر چه واقعه می‌تواند بخشی از تغییر محسوب شود اما به لحاظ سرعت، میزان تأثیر و محدوده زمانی بیشتر در قالب یک حادثه یا رویداد باید مد نظر قرار گیرد. بر این اساس برگزاری یک انتخابات و نتایج آن، وقوع یک اعتصاب، و یا رخداد یک حادثه می‌توانند بخشی از یک تغییر، همراه با تغییر و یا محرک تغییر باشند. (روشه، ۱۳۶۸: ۲۳)^{*}

گی‌روشه^{*} در برابر "واقعه اجتماعی"، "تغییر اجتماعی" را مطرح می‌کند. از نظر وی "تغییر اجتماعی" عبارت است از "تغییر قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی یا کم‌دوام نباشد. بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ را دگرگون نماید". (همان: ۲۴)

برای هر تغییر اجتماعی چهار ویژگی مهم مطرح شده است:

- ۱- تغییر اجتماعی لزوماً یک پدیده جمعی است.
- ۲- تغییر اجتماعی باید یک تغییر ساختی باشد. یعنی تغییری در کل سازمان

* روشه، گی. (۱۳۶۸)، تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، تهران: نشر نی.

اجتماعی و یا در بعضی قسمت‌های تشکیل دهنده سازمان اجتماعی حادث شود به عنوان مثال تغییر در توزیع قدرت یا در شبکه‌های ارتباطی ایجاد کند.

۳- تغییر اجتماعی باید در طول دوره زمانی واقع شده و شناخته گردد.

۴- تغییر اجتماعی باید مداوم و استوار باشد و نه سطحی و زودگذر.

گی‌روشه^۲ در ادامه بحث خود مفهوم "تحول اجتماعی" را مورد بحث قرار داده و آن را به عنوان عمیق‌ترین لایه تغییر اجتماعی مطرح کرده است. از نظر وی "تحول اجتماعی" مجموعه‌ای از تغییرات است که در طول یک دوره طولانی، طی یک یا شاید چند نسل در جامعه رخ دهد. (همان: ۲۰)

کتاب حاضر بر بحث در باره تغییر اجتماعی متمرکز است، اگر چه در مواردی مصادیق مطرح شده و عمق تغییرات مورد بحث، گستره "تحول اجتماعی" را نیز شامل می‌شود.

موضوع "تغییر اجتماعی" طی دهه اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران کشورمان را به خود جلب کرده است. این امر تا حدود زیادی متأثر از سرعت شتابناک رویدادهای پس از انقلاب است. در واقع ربع قرن کافی بود تا جامعه ایران از درون دستخوش تحول و دگرگونی وسیع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گردد. این تغییرات دامنه وسیعی از ارزش‌های اجتماعی و نگرش‌ها را دستخوش تغییرات مهم و اساسی کرد.

تغییر نگرش نسبت به مذهب و نقش و جایگاه آن در زندگی فردی و جمعی، نهادهای مذهبی و دینی، قدرت و دولت بخش مهمی از حوزه‌های این تغییرات هستند که طی سال‌های اخیر نیز در نظرسنجی‌ها و پیمایش‌های ملی تأیید شده‌اند.

به این ترتیب تحلیل روند بسیاری از وقایع سال‌های اخیر کشورمان جز از طریق شناخت عمیق تغییرات اجتماعی سال‌های گذشته ممکن نیست. در واقع تحلیل‌های مبتنی بر نظریه‌هایی همچون "شکاف اجتماعی" و "تضاد اجتماعی" تنها

در پر توارزیابی روشن از تغییرات اجتماعی قادر به توضیح فرآیند رویدادها و حوادث اجتماعی می‌باشند.

به علاوه شاید به دلیل ویژگی‌های خاص نظام شخصیت ایرانی، نقش افراد و ویژگی‌های فردی شخصیت‌ها بر روند تغییرات در ایران بیش از دیگر جوامع ارزیابی شود.

به عنوان مثال چگونه می‌توان ویژگی‌های فردی بسیاری از شخصی‌های مؤثر در انقلاب اسلامی و یا تحولات پس از آن را از عملکرد آنها در فراز و نشیب‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نادیده گرفت؟ بهترین شاهد مثال طی سال‌های اخیر سید محمد خاتمی ریاست جمهور دوران اصلاحات (۱۳۷۶-۸۴) بود که بارها تناسب بین ویژگی‌های شخصی‌اش را با تصمیماتی که اتخاذ کرده مورد تأیید قرار داده است.

ترجمه این کتاب را در وهله اول مدیون دوست گرانقدر آقای دکتر حسن چاووشیان هستم. ایشان به سبب اطلاع از علاقه من به مباحث مرتبط با تغییر اجتماعی و تحصیلات‌ام در زمینه روانشناسی چندین سال پیش توصیه کردند تا اقدام به ترجمه کتاب نمایم. در آن زمان تعداد کتاب‌های منتشر شده در زمینه تغییر اجتماعی از دو یا سه عنوان تجاوز نمی‌کرد. به همین دلیل در حالی که قدیمی بودن کتاب بارها مرا وسوسه کرد تا ترجمه آن را نیمه تمام رها کنم، اما به دلیل محدودیت منابع در این زمینه کار ادامه یافت. پس از آن فرآیند ترجمه کتاب خود حدیث مفصلی است که در حوصله این مقدمه نمی‌گنجد.

بی‌شک راهنمایی‌ها و همراهی‌های جناب آقای مهندس افشین مدنی در ترجمه فصل‌های اولیه کتاب نقش بسزایی در اصلاح خطاهای من داشت، اساتید و دوستان گرانقدرم آقایان دکتر حبیب‌الله پیمان و دکتر رضا رئیس طوسی که در ماه‌های دشوار و تنهایی نیمه دوم سال ۱۳۸۰ همه اندوخته‌های خود را بی‌دریغ و با گشاده دستی در اختیارم نهادند تا در محدودیت دسترسی به منابع و مآخذ لازم

ترجمه حاضر را به پایان رسانم، از ماندگارترین خاطرات دوران زندگی‌ام محسوب می‌شود. شاید همین مسئله موجب شد تا برای ماندگاری یادگاری از آن دوران، انگیزه بیشتری برای انجام اصلاحات نهایی و به دست چاپ سپردن این کتاب داشته باشم.

ویرایش علمی کتاب مدیون زحمات دوست قدیمی و صمیمی‌ام آقای دکتر حمیدرضا عریضی است. سرکار خانم جمیله هاشمی نیز با دقت تمام زحمت ویرایش ادبی متن را عهده‌دار شدند، و بالاخره سرکار خانم معصومه شاپوری نیز با صبر و حوصله، حروفچینی و اصلاحات مکرر را انجام دادند تا متن حاضر با حداقل خطا به دست خوانندگان گرامی برسد. از همه این عزیزان سپاسگزاری می‌نمایم. در پایان لازم است از استاد فرزانه جناب آقای دکتر پرویز پیران که مثل همیشه مرا مرهون لطف خود قرار داده و این کتاب را به پیشگفتار وزین خود مزین کردند تشکر و قدردانی کنم.

سعید مدنی

بهار ۱۳۸۵

پیشگفتار

بین طرح و واقعیت ... شبیحی حاکم شده است
تی. اس. الیوت

انسان بوج

چنانچه پژوهش‌های روان‌شناختی به درستی انجام شوند، فاصله بین طرح و واقعیت کاهش می‌یابد. ما دنیایی را ادراک می‌کنیم که در آن تعارض و رنج رویدادهای پیش پا افتاده‌ای نیستند، سرمایه‌گذاری‌های هنگفت منابع و نیروی انسانی از سوی نهادهایی که افراد زیادی را تحت پوشش قرار می‌دهند جذب نمی‌شود. تصورات ما از دنیا این است که در آن مردم به حقیقت، خود را با رفاه و بهزیستی دیگران پیوند زده‌اند و به خاطر سعادت همگان، مایل‌اند علایق خودشان را قربانی کنند. با وجود این، به دلیل وجود خلأ بین طرح‌ها و واقعیت‌های زندگی روزمره، بندرت کسی می‌تواند از بدبینی دوری گزیند. روان‌شناسی همچون سایر علوم رفتاری - اجتماعی، ابزاری را برای دگرگون کردن شرایط [زندگی] ما ارائه داده و کاربرد درست روش‌هایش، نوید می‌دهد که می‌توان بر حل مشکلاتی که اینک دام‌گیرش هستیم، تأثیر گذاشت. افزون بر این، به کمک یافته‌های روان‌شناختی می‌توان چگونگی در هم شکستن الگوهای فعلی و بنا کردن آینده‌ای مطلوب‌تر را

تعیین کرد. وقتی روان‌شناسی به شایستگی به کار گرفته شود، می‌تواند ما را در ارزیابی دقیق‌تر مفاهیم و تصوراتمان از جامعه مطلوب توانا سازد.

کتاب حاضر، یافته‌های نوی^۱ روان‌شناسانی را که در سال‌های اخیر در مسائل مربوط به دگرگونی‌های اجتماعی مشارکت داشته‌اند، بررسی می‌کند. پژوهش‌های جفری تراورز^۲ و استوارت پیزر^۳ - به رغم جامع نبودن - ما را به ملاحظه نکات فراگیر مسائل مربوط به نفوذ اجتماعی فرا می‌خواند.

مؤلفان کتاب از این سوگیری که فقط یک مفهوم واحد برای توضیح تغییرات در نظر گرفته شود، اجتناب می‌ورزند و سعی می‌کنند خود را به یک برنامه توجیه‌ناپذیر که جامعه باید به آن تبدیل شود، محدود نکرده خوشبینی غیر ضروری ایجاد نکنند. در عوض آنان به راحتی چندین مسیر نویدبخش به سوی تغییرات برگزیده را با ذکر نقاط ضعف و قوت آنها به طور مستدل بازگو می‌کنند.

کتاب حاضر از تغییر درونی افراد به سوی تغییر در نهادها و سنت‌های فرهنگی عمده متمرکز شده است. پس از ملاحظات ابتدایی روان‌درمانی فردی، به درمان با گروه و آموزش حساسیت می‌پردازد و آنگاه به سوی بحثی هدفمند درباره نظام‌های زندان و نهادهای روانی حرکت می‌کند. تغییرات اجتماعی کمتر بر فنون اصلاح رفتار و بیشتر بر پایه کندی و کاو تجارب فرد در زمان حال متکی است.^۴ همان گونه که مؤلفان کتاب نشان داده‌اند، اعمال جاری ما در قلمرو جرم‌شناسی و بهداشت روان فاصله زیادی تا حد مطلوب دارند، پژوهشی قاطع درباره کارکردهای اجتماعی شدن، این بحث را تکمیل می‌کند. مقایسه فعالیت‌های ما - بخصوص در قلمرو آموزش و پرورش

۱. با توجه به تاریخ انتشار کتاب (۱۹۷۵) طبیعتاً یافته‌های روانشناسی مطرح در این کتاب چندان تازگی نخواهد داشت، اما با عنایت به منابع محدود ترجمه شده در زمینه تغییرات اجتماعی و خصوصاً نقش روانشناسی در این تغییرات هنوز هم به نظر می‌رسد مطالب مندرج در این کتاب برای خواننده ایرانی خود جالب توجه باشد. - م.

2. Jeffrey Travers

3. Stuart Pizer

۴. شاید به همین دلیل است که تغییرات اجتماعی بیشتر به سمت رویکردهای پدیدارشناختی و کمتر به رویکردهای رفتارگرایی گرایش دارد. - م.

- با آنچه در سایر کشورها عمل می‌شود، ما را بدین امر آگاه می‌کند که برای آیندگان پرسش‌هایی جدی باقی خواهیم گذاشت.

مؤلفان این کتاب به نحوی آرمانی برای انجام دادن کاری که بر عهده گرفته‌اند، مناسب‌اند. هر دو، درجهٔ دکتری از دانشکدهٔ روابط اجتماعی هاروارد دریافت کرده‌اند. "پیزر" ساعات بیشماری را در هدایت گروه‌های خودکاوانه صرف کرده و پایان‌نامهٔ خود را دربارهٔ کارایی این گروه‌ها در ارتقای تحولات فردی نوشته است. سپس، در مقام یک روان‌درمانگر در بخش خدمات بهداشتی دانشگاه هاروارد خدمت کرده است، وی در آنجا آموزش گروه‌درمانی و زوج‌درمانی را هدایت می‌کند. "جفری تراورز" با ترکیب کارهای مرتبط با تحصیلاتش - در حوزهٔ روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی اجتماعی - با کارهای مشاوره‌ای توانایی یافت به مطالعهٔ کارهای جرم‌شناسی پیدا کرد. او تاکنون در کالج سارتمور به فعالیت‌های آموزشی اشتغال داشته است که در آنجا مسئولیت عالی دورهٔ تحصیلات عالی رشد کودکان را بر عهده داشت، وی در زمینهٔ روان‌شناسی تربیتی و شناختی دستاوردهای چشمگیری داشته است.

برای من، به عنوان ویراستار این مجموعه، کمال خوشوقتی است که با این افراد برجسته کار می‌کنم. خواننده نیز از خواندن این کتاب لذت خواهد برد؛ هرچند پیام مؤلفان بسیار دور از آرامش باشد.

کنت. جی. گرکن

استاد و مدیر دانشکدهٔ روان‌شناسی کالج سوارتمور